
بسم الله الرحمن الرحيم

شرح جامع

مبانی نظری معماری

«هنر»

(طراحی شهری – مهندسی معماری – معماری منظر– مهندسی معماری اسلامی– مطالعات معماری ایران– بازسازی پس از سانحه– معماری داخلی)

مولفان: محسن اسماعیلی – مرجان علی‌یاری

انتشارات ارشد

پیشگفتار ناشر

خداوند بزرگ را شاکریم که فرصتی عنایت فرمود تا بتوانیم قدمی در جهت گسترش علم و فرهنگ کشور عزیزمان برداریم و مسیری هموار را در اختیار مخاطبان و داوطلبان علاقمند به ادامه تحصیل قرار دهیم. از آنجائی که درحوزه کتاب‌های درسی و کمک درسی کارشناسی ارشد کتاب‌های زیادی به رشته تحریر در آمده است با این حال وجود یک مجموعه جامع، دقیق، کامل و دارای رفرنس(منابع) مستند احساس می‌شود.

همیشه دغدغه داشتیم که ای کاش می‌شد تمامی منابع پراکنده و گاهاً دست نایافتنی کنکور در یک مجموعه به گونه‌ای جذاب و شیوا آماده می‌شد و همچنین سوالات دوره‌های قبل کنکور نیز به گونه‌ای تشریحی پاسخ داده می شدند، که خدشه‌ای بر آنها وارد نشود و خیال داوطلبان عزیز آنقدر آسوده باشد که اطلاعات مندرج در پاسخنامه‌ها را برای بهره‌گیری در آزمون خود بکار گیرند. این کار با یاری خداوند بزرگ و همکاری نخبه‌ترین دانشجویان و اساتید کشور در انتشارات ارشد هماهنگ گردید و در تمامی مقاطع تحصیلی از کاردانی به کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در حوزهٔ آزمون‌های سراسری – آزاد و پیام نور بسته‌های آموزشی شامل کتاب‌های بانک سوالات و کتاب‌های شرح جامع درس آماده گردید. در تهیه مجموعه‌های فوق‌الذکر از فارغ‌التحصیلان کارشناسی ارشد و دکتری که حائز رتبه‌های تک رقمی کنکور می‌باشند، استفاده کرده‌ایم، تا شما عزیزان بتوانید در راستای افزایش توان علمی خود در جهت نیل به مقصود خویش نایل آیید. بدون تردید می‌توان گفت که برای اولین بار در نظام آموزشی کشور مجموعه‌ای به این سبک عرضه می‌شود که در کیفیت و کمیت بی‌نظیر بوده و تمامی نیازهای دانشجویان و داوطلبان عزیز را پوشش می‌دهد. امید است که استفاده از این مجموعه عزیزان را در جهت موفقیت در آزمون یاری رسانده باشد. در پایان لازم به ذکر است که بی نقصی محض از آن خداوند متعال می‌باشد، بنا براین از تمامی خوانندگان و داوطلبان عزیز خواهشمندیم نظرات سازنده خود را در مورد این کتاب به سایت انتشارات ارشد اعلام نمایند تا ما را در جهت هر چه بهتر آماده کردن این محصولات یاری رسانند.

با تشکر

ناشـــــر

www.arshadbook. ir

پیشگفتار مولف

گردآوری و تألیف مجموعه پیش رو حاصل بیش از چهار سال تلاش مستمر بوده که آغاز آن به دوران مطالعاتی کنکور کارشناسی ارشد نگارندگان (۱۳۸۵) و اتمام آن به سال ۸۹ باز می‌گردد. در حقیقت کتاب پیش رو مجموعه تکامل یافته‌ی جزواتی است که نگارندگان در طول ۳ سال تدریس در مؤسسات آمادگی آزمون کارشناسی ارشد تدوین نموده و حاوی مطالبی است که هر ساله با بررسی و ارزشیابی سوالات آزمون سراسری و بازخوردهای ناشی از آن بازنگری و به روز رسانی شده است.

بدون تردید مجموعه پیش رو به هیچ روی از سوی نگارندگان به عنوان یک مرجع علمی و رسمی تلقی نمی‌گردد؛ بدین جهت نگارندگان تلاش نموده تا از طریق ارجاء نویسی در داخل متن هدایتگر دانشجویان شهرسازی، معماری داوطلبین کارشناسی ارشد و سایر استفاده کنندگان اعم از داوطلبین آزمون دکتری باشد. مآخذ استفاده شده در این مجموعه مشتمل بر منابع اصلی کنکور کارشناسی ارشد در ۱۰ سال گذشته و منابع مرتبط با ادبیات جهانی معاصر در رشته‌ی طراحی شهری و معماری بوده که در سالیان گذشته در طرح سؤالات بدان توجه ویژه‌ای شده است.

علاوه بر این انگیزه‌ی اصلی نگارندگان در تدوین این مجموعه فراغت خاطر دانشجویانی است که در طول سالیان گذشته همواره در حسرت منبعی جامع، کامل و مستند بوده و همواره از مطالعه منابع نخ نما و تاریخ مصرف گذشته موجود در بازار ابراز گلایه می‌کرده‌اند.

در پایان به جاست که مراتب تقدیر و احترام خود را به مدیریت محترم مؤسسه انتشاراتی ارشد و سایر دست‌اندرکاران مؤسسه به جهت فراهم آوردن فرصت انتشار این مجموعه تقدیم نماییم و از تلاش‌ها و کمک‌های فکری دوستان عزیزم حمیدرضا ابراهیم خانی، علی خادم رضا و سرکار خانم بابکری نهایت تشکر و قدردانی را دارم.

با سپاس

محسن اسماعیلی – مرجان علی‌یاری

فهرست مطالب

عنوان **صفحه**

پیشگفتار ناشر..... ۳
پیشگفتار مؤلف..... ۴

فصل اول: سیر اندیشه‌های شهرسازی و نظریات ساخت شهر

مقدمه..... ۱۳
۳-۱- اصطلاحات پایه در متدلوژی(روش شناسی) شهر سازی..... ۱۳
۳-۲- تبیین سه مفهوم: سنت گرایی، مدرنیسم و پست مدرنیسم..... ۱۶
۳-۳-سیری در اندیشه‌های شهر سازی از آرمان تا واقعیت..... ۱۸
نقد شهر صنعتی در قرن ۱۹ ..... ۲۳
پیش شهر سازی..... ۲۳
اندیشمندان نحله فکری پیش شهر سازی ترقی گرا یا آرمانگرا(سوسیالیست‌های تخیلی)..... ۲۶
اندیشمندان نحله فکری پیش شهرسازی فرهنگ گرا:..... ۳۸
نقد بی الگوی مارکس و انگلس(گرایش به تحولات انقلابی)..... ۴۰
شهرسازی – ستیزی آمریکایی (پیش شهرسازی طبیعت گرا)..... ۴۴
اقدامات عملی در عصر پیش شهر سازان..... ۴۴
شهر سازی..... ۵۱
برخی مکاتب معماری مدرن(قبادیان:۸۴-۳۰)..... ۷۲
الگوی شهرسازی فرهنگ گرا..... ۷۳
اندیشمندان نحله شهر سازی فرهنگ گرا:..... ۷۴
شهرسازی طبیعت گرا..... ۸۲
اندیشمند نحله فکری طبیعت گرا..... ۸۳
الف)سرزمین فن(TECHNOTOPIA)..... ۸۷
ب)شهر انسانی برای یک آمایش انسانی..... ۹۲
تئوری شکل شهر ۱۰۵
سایر مکاتب..... ۱۰۷
مکتب فلسفهٔ شهر..... ۱۱۳
مکتب فرامدرنیسم(پست مدرن)..... ۱۱۵
مکتب ساختارگرایی..... ۱۲۲

عنوان **صفحه**

به سوی تمامیت(کلیت واحد) تئوری جدید طراحی شهری) ۱۲۴
مکتب نوخردگرایی (نوسنت‌گرایی- NEO TRADITIONALISM)..... ۱۲۶
سایر نظریه‌های پست مدرن..... ۱۲۷
شهرسازی و توسعه پایدار ۱۳۳
تحولات شهرسازی براساس سه‌گانه تا فلر:..... ۱۴۵
خلاصه فصل..... ۱۴۷

فصل دوم: نظریات ساخت شهر

نظریهٔ مرتبط با اکولوژی شهری (شیعه ۱۳۷۹، شکویی ۱۳۸۳)..... ۱۶۱
۲- ساخت قطاعی شهر: (نظریه همرهویت)..... ۱۶۱
۳- ساخت ستاره ای شکل..... ۱۶۲
۴- ساخت چند هسته ای (نظریه ادوارد اولمن و چانسی هاریس) ۱۶۳
۵- ساخت عمومی شهرها..... ۱۶۴
۶- ساخت طبیعی شهرها ۱۶۴
۷- ساخت خطی یا کریدوری..... ۱۶۵
۸- نظریه ساخت منطقه واحد مسکونی ۱۶۵
۹- نظریه کاربری فضای شهری..... ۱۶۵
۱۰- نظریه ساخت اکولوژیک شهر ۱۶۶
۱۱- نظریه کیفیت رشد و تکامل شهر..... ۱۶۶
نقشها و وظایف شهری ۱۶۸
طرح های مختلف توسعه شهری ۱۶۸
تعریف و انواع شکل شهر(بحرینی ۱۳۸۳) ۱۷۶
ج) طبقه بندی فضاهای باز..... ۱۸۵
خلاصه فصل..... ۱۸۶

فصل سوم: طراحی شهری و فلسفه‌ی وجودی آن

فلسفه وجودی طراحی شهری و مرور تاریخی آن..... ۲۰۳
تعاریف طراحی شهری..... ۲۰۵
اجزاء تشکیل دهنده طراحی شهری ۲۱۱
شکل شهر به عنوان رکن اساسی طراحی شهری..... ۲۱۲
فرایند طراحی شهری ۲۱۵
عوامل موثر در طراحی شهری..... ۲۱۷

فصل چهارم: تعریف طراحی شهری

روش‌های ارائه تعریف طراحی شهری ۲۱۸
علل شکل گیری طراحی شهری (زمینه ظهور و رواج رشته طراحی شهری)..... ۲۱۹

عنوان **صفحه**

علل ظهور،گسترش و تداوم رشته طراحی شهری ۲۱۹
تعاریف متقدمان از طراحی شهری (بخشی و جزء گرایانه) ۲۲۰
خصیصه های بنیادین طراحی شهری ۲۲۲
تعاریف متأخران ازطراحی شهری (جامع و کل گرا) ۲۲۹
آموزش طراحی شهری، دانش و مهارت‌های اساسی ۲۳۲
ظهوردوره‌های آموزشی طراحی شهری ۲۳۲
محتوای آموزش دوره‌های طراحی شهری ۲۳۳
تنوع دوره‌های آموزشی طراحی شهری ۲۳۴

فصل پنجم: ازتولد تا بلوغ طراحی شهری

«شباهت خانوادگی» میان تعاریف طراحی شهری ۲۳۶
سیرتکامل مفهوم طراحی شهری ۲۳۷
مرحله اول :دوران جنینی طراحی شهری ۲۳۷
مرحله دوم :دوران نوزادی طراحی شهری ۲۳۸
مرحله سوم: دوران کودکی طراحی شهری ۲۳۹
مرحله چهارم " دوران نوجوانی طراحی شهری ۲۳۹
مرحله پنجم: دوران بلوغ طراحی شهری ۲۴۱
دستاوردهای تکامل رویه ای طراحی شهری ۲۴۱
دستاوردهای تکامل ماهوی طراحی شهری ۲۴۳

فصل ششم: مولفه های سازنده کیفیت طراحی شهری

حالت وجودی کیفیت طراحی شهری ۲۴۵
مرور ادبیات موضوع ۲۴۶
چارچوب‌های نظری برای تبیین مؤلفه‌های کیفیت طراحی شهری ۲۵۳

فصل هفتم: تئوری‌های طراحی شهری

تحلیل گونه شناختی تئوری ها ۲۵۷
مفهوم تئوری طراحی شهری ۲۵۸
سودمندی «تئوری»- سودمندی «تئوری تئوری ها» ۲۵۸
رویکردهای مختلف به گونه شناسی تئوری‌های طراحی شهری ۲۵۹
نتیجه گیری ۲۶۷

فصل هشتم: انواع اسناد هدایت طراحی شهری

چارچوب طراحی شهری ۲۶۸
دستور کارهای توسعه و ساختوساز ۲۶۹
طرحهای جامع سهبعدی ۲۶۹

عنوان **صفحه**

وضعیت قانونی اسناد ۲۷۱
کد طراحی ۲۷۱
سنجش وضعیت سایت و بستر قرارگیری آن: ۲۷۲
اهداف طراحی شهری ۲۷۲

فصل نهم: نقد چارچوب نظری مدرنیزم به عنوان خاستگاه طراحی شهری

نقد جنبش مدرن ۲۷۴
مراحل نقد جنبش مدرن ۲۷۶
تکنولوژی و تاثیرات آن در معماری ۲۷۶
نهضت‌های موثر در پیدایش مدرنیسم در معماری ۲۷۷
نهضت‌های هنری و معماری موثر در گرایش‌های امروز ۲۷۷
نقش مدارس معماری در تجلی و رواج مدرنیسم ۲۸۰

فصل دهم: معماری معاصر غرب

مدرنیته ۲۸۵
معماری مدرن اولیه ۲۸۸
معماری مدرن متعالی ۲۹۲
معماری مدرن متأخر ۲۹۸
پست مدرنیته ۳۰۰
معماری پست مدرن ۳۰۱
معماری های – تک و اکو- تک ۳۰۳
معماری نئوکلاسیک ۳۰۶
معماری دیکانستر اکشن ۳۰۷
معماری پیدایش کیهانی – غیر خطی ۳۱۱
سیبرنتیک و فضای سایبر CYBERNETIC & CYBER SPACE ۳۱۳
معماری روبوتک ROBO TECH ۳۱۳
ساختار گرایی ۳۱۴

فصل یازدهم: ادراک

موضوع ادارک ۳۲۵
ادراک اشیاء ۳۲۶
حواس انسان ۳۲۷
الف) حواس با فاصله ۳۲۸
ب) حواص بلافاصله ۳۲۹
پدیده های ادراکی ۳۳۰

عنوان **صفحه**

فصل دوازدهم: نیاز، فعالیت و رفتار

نیازها ۳۳۷
نیازهای جسمانی/ زیستی ۳۳۸
فعالیت ۳۴۰
ویژگیهای عمومی فعالیت ۳۴۱
عوامل موثر بر ارتقاء ویژگیهای فعالیت ۳۴۲
رفتار ۳۴۳
ویژگی های رفتار ۳۴۴
توجه به رفتارها یا استانداردها؟ ۳۴۵

فصل سیزدهم: فضای شهری

مفهوم فضای شهری ۳۴۶
فضاهای شهری ۳۴۸
انواع فضاهایی شهری ۳۴۹
مولفه های محیط و فضای شهری ۳۵۴

فصل چهاردهم: کیفیت

کیفیت‌های فضایی ۳۵۸
۱- کیفیت های عنصر ۳۵۸
۲- کیفیت های بین عناصر در سازمان فضایی ۳۵۸
۳-کیفینت رابطه عنصر خاص با دیگر عناصر (نقش و زمینه) ۳۵۹
۴- کیفیت های ناشی از میزان سازگاری بین مولفه ها ۳۶۰
برداشت بدنه ها و نماهای شهری ۳۶۱

فصل پانزدهم: حمل و نقل شهری

سیستم حمل و نقل ۳۷۱
شبکه ارتباطی و تاسیسات ترافیکی(محمل) ۳۷۲
وسیله سفر(حامل) ۳۷۳
محموله (انسان و کالا) ۳۷۳
مدیریت و تکنولوژی(TRAFFIC MANAGEMENT) ۳۷۳
برنامه ریزی ترافیک شهری ۳۷۳
تقاضای حمل و نقل شهری ۳۷۴
تعاریف و اصطلاحات رایج در حمل و نقل ۳۷۶
شبکه دسترسی ۳۷۸
سلسله مراتب شبکه ارتباطی از نظر وظیفه و اهمیت ۳۸۰

عنوان **صفحه**

شبکه حلقوی یا رینگ سیستم ۳۸۲
تقاطع ۳۹۶
آلودگی صوتی ۴۰۶
انواع سیستم‌های حمل و نقل عمومی درون‌شهری ۴۰۹
انتخاب سیستم حمل و نقل عمومی ۴۱۳
فضا و سیمای خیابان ۴۱۶
خلاصه فصل ۴۱۹

فصل شانزدهم: محیط زیست، توسعه پایدار و مدیریت بحران در شهرسازی

۶-۱- تقسیم‌بندی مقوله‌های زیست محیطی ۴۲۱
۶-۲- اکولوژی ۴۲۵
۶-۳- ضرورت مطالعه وحیط زیست ۴۳۲
۶-۴- جایگاه محیط زیست در چارچوب برنامه‌ریزی ملی و آمایش سرزمین ۴۳۳
۶-۵- جایگاه محیط زیست در برنامه‌ریزی منطقه‌ای ۴۳۶
۶-۶- جایگاه محیط زیست در برنامه ریزی و طراحی شهری ۴۴۲
۶-۷- توسعه پایدار شهری ۴۴۵
۶-۸- شهر سالم ۴۴۸
۶-۸- مدیریت بحران ۴۴۹
خلاصه فصل ۴۵۳
سؤالات مبانی نظری معماری و طراحی شهری آزاد سال ۱۳۸۹ ..... ۴۶۲
سؤالات مبانی نظری معماری سراسری سال ۱۳۹۰ ..... ۴۶۴
پاسخنامه مبانی نظری معماری سراسری سال ۱۳۹۰ ..... ۴۶۸
سؤالات مبانی نظری معماری سراسری سال ۱۳۹۱ ..... ۴۶۹
پاسخنامه مبانی نظری معماری سراسری سال ۱۳۹۱ ..... ۴۷۲
سؤالات مبانی نظری معماری سراسری سال ۱۳۹۲ ..... ۴۷۳
پاسخنامه مبانی نظری معماری سراسری سال ۱۳۹۲ ..... ۴۷۶

بخش اول

سیر اندیشه‌های شهرسازی و نظریات ساخت شهر

عناوین اصلی

- فصل اول: سیر اندیشه‌های شهرسازی
- فصل دوم: نظریات ساخت شهر

فصل اول

سیر اندیشه‌های شهرسازی و نظریات ساخت شهر

مقدمه

ضرورت برخورد تاریخی با نظریات شهرسازی به تئوری تکامل باز می‌گردد؛ براساس این تئوری تأثیرگذار تمامی حوزه‌های دانش اعم از تخصصی و تجربی به سوی تکامل پیش می‌رود. برا این مبنا لازمه‌ی درک صحیح از نظریه‌ها و مکاتب زمان حاضر (حال) رجوع به گذشته تاریخی و بررسی نظریات در فرایند تحول زمانی- مکانی آن است. چه آنچه آمروز به عنوان نظریه‌های اثربخش شهرسازی شناخته می‌شوند حاصل فرایند تکامل تدریجی انسان و دایره‌ی علوم مرتبط با آن است که درک صحیح از آن‌ها نیازمند شناخت پایه‌ها و ریشه‌های تاریخی آن می‌باشد.

این فصل از مجموعه حاضر به معرفی نظریه‌های مرتبط با شهرسازی از قرن ۱۹ تا اوائل قرن ۲۱ (زمان حاضر) اختصاص دارد. لازمه‌ی درک صحیح از تئوری و مفاهیم مرتبط با برنامه‌ریزی شهری ادراک صحیح و مناسب از نظریه‌های مرتبط با نوع اسکان بشر در دوران معاصر بوده است؛ وجهی که در این فصل و با ارائه یک چارچوب تاریخی و پیوسته مطالب همگام با تحولات فلسفی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، به دقت در پی آنیم.

لازمه‌ی ادراک صحیح از مطالب پیش رو، معرفی برخی واژگان و مفاهیم مشترک در فلسفه‌ی علم می‌باشد که بخش نخست از فصل حاضر به این مفاهیم و واژگان اختصاص دارد تا زمینه لازم را برای درک عمیق مفاهیم و نظریات فراهم آورد.

۳-۱- اصطلاحات پایه در متدلوژی(روش شناسی) شهر سازی

سیر اندیشه‌های شهر سازی درارتباط تنگاتنگی با نظریه‌های علمی در این رشته قرار دارند. بسیاری از این اندیشه‌ها در مراحل تکوین و تکامل، مبانی نظری و روش شناختی دانش شهر سازی را رقم زده اند.از اینرو می توان اندیشه‌های تاریخ شهر سازی را بویژه در دوران معاصر پایه‌های تئوریک این دانش نوظهور برشمرد؛ بنابراین مفهوم نظریه در این دانش از تفکرات اندیشمندان آن در دوران معاصر نشأت گرفته است.

نظریه‌های علمی را نباید با سیر در دنیای تخیلات یا باز گویی تصورات و اوهام، هر چند بصورتی دلپذیر، یکی دانست.در واقع، وجه مشخصه علم از هنر، تقید عالم به انضباط فکری خاص است که ابداعات نظری را انسجام می بخشد و به کشف ناشناخته‌ها کمک می کند. این انضباط فکر ی همان روش تحقیق و مطالعه آن، روش شناسی یا متدلوژی است.

متدلوژی یا روش شناسی تلاشی فلسفی برای یافتن طرق صحیح تحقیق و ابداع ابزار و وسایل مناسب برای ساختن نظریه‌های علمی است. در این رابطه بین نظریه و مفاهیم دیگری چون ایدئولوژی، مکتب، مدل، پارادایم، فرضیه و قانون، تفاوت‌هایی وجود دارد که هر کدام را جداگانه و مختصراً بررسی می کنیم:

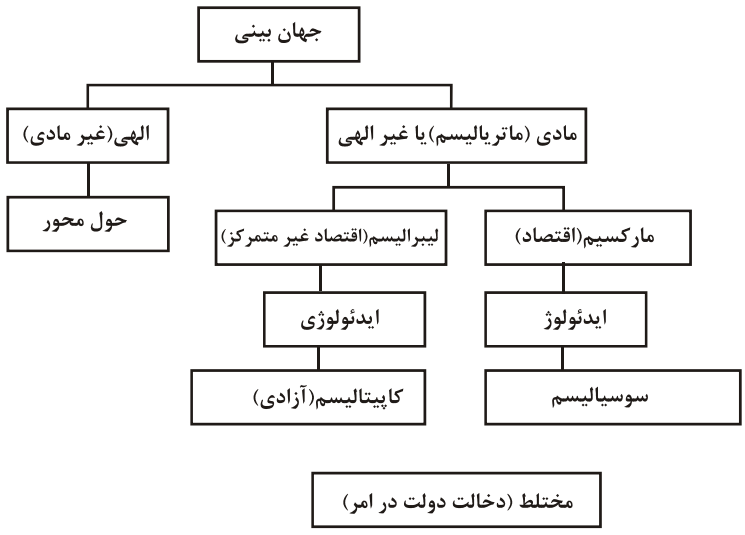
الف) نظریه (تئوری)

کولینگر نظریه را چنین تعریف می کند: « نظریه مجموعه ای، به بیان دقیقتر شبکه ای به هم پیوسته از سازه‌ها (مفاهیم)، تعاریف و قضایاست که به منظور تبیین و پیش بینی پدیده‌ها از طریق تشخیص روابط بین متغیرها، یک نظر نظام دار درباره این پدیده‌ها را ارئه می دهد. به عبارتی نظریه‌ها یا تئوری‌های علمی به آن دسته از مبانی نظری اطلاق می شود که در مراحل تکوین آن روش علمی ملحوظ شده باشند. در این نوع تئوری (نظریه)، عوامل مستقل، وابسته، مداخله گر و اغتشاش کننده معلوم و قابلیت و میزان صحت تعمیم تئوری روشن است. در واقع در همه رشته‌های علمی بر اساس تحقیقات علماءو دانشمندان آن رشته، نظریاتی مطرح می شود و عمر تحقیق تا زمانی است که تحقیقات جدید از آن عبور نکند.

ب) ایدئولوژی و جهانبینی

ایدئولوژی نظام افکار و عقاید وابسته بهم است که اعضای یک گروه در آن شریک بوده، توجیه کننده افکار و منافع آن‌هاست. بنابراین ایدئولوژی سنگ بنای مکاتب و نظریه‌ها محسوب می شود و بطور کلی ایدئولوژی‌ها را می توان به دو بخش الهی(آسمانی) و غیر الهی(مادی) تقسیم کرد. ایدئولوژی الهی از ادیان آسمانی نشأت می گیرد(جهان بینی)، حال آنکه ایدئولوژی غیر الهی از جهان بینی مادی(ماتریالیسم) نشأت می گیرد.

تفاوت بین ایدئولوژی (حکمت عملی) و جهان بینی(حکمت نظری) در این است که بر اساس تعاریف فلسفی، مفهوم جهان بینی با مجموعه هست‌ها و نیست‌ها که تقیدات مذهبی را بدنبال دارد و مفهوم ایدئولوژی با مجموعه بایدها و نبایدها درک می شود. جهانبینی خود به دو دسته مادی و غیرمادی تقسیم می شود. در جهانبینی مادی یعنی مارکسیسم و لیبرالیسم، ماتریالیسم بنیان عقیدتی آن‌ها را تشکیل می دهد. از این رو تغییرات خویشتن خواهانه اصالت داشته و سعی هر فرد در حداکثر استفاده از منابع و امکانات موجود است. ولی در جهان بینی غیر الهی چون اسلام بنیان عقیدتی حول محور«اللّه» قرار داشته و عملکردها حول این محور می چرخند. ایدئولوژی غیر الهی(مادی) به سه دسته تقسیم می شود: کاپیتالیسم (سرمایه داری) که مبتنی بر لیبرالیسم است، سوسیالیسم-کمونیسم که مبتنی بر مارکسیسم است و ایده مختلط (سرمایه داری با دخالت دولت). (پاپلی یزدی ← پاپلی یزدی ۱۳۸۲)



ج) مکتب

مکتب یا مدرسه را می توان زمینه ای مبتنی بر اندیشه‌ها افکار و نظریات یا یک موقعیت و نظام خاص تلقی کردکه بانیان و پیشروان مربوط به تبع اصول و موازین آن حوزه راه و روشهای خاصی را ابداع و به عنوان مظاهر و تجلیات آن مکتب تنفیذ و تعمیم داده اند. به عبارت دیگر به مجموعه جهان بینی و ایدئولوژی مکتب می گویند.

با این تلفیق، مکتب در زمینه‌های مختلف ارزشی، علمی، سیاسی، اقتصادی و غیره بوجود آمده و ممکن است مفاهیم نظری و عملی بوجود آمده در آن، چشم انداز دور و نزدیک خود را نیز شامل شود.نظریه موقتی، محدود و بیشتر علمی می باشد. در حالیکه مکتب اصول کلی مجموعه ای از نظرات را در بر دارد؛ (پاپلی یزدی ۱۳۸۲: ۱۳-۱۲)

د) مدل

مدل نمادی است ازواقعیت. مدل مهمترین ویژگی‌های دنیای واقعی را به صورتی ساده و کلی بیان می کند و برداشتی از واقعیت که برای توضیح مفاهیم و تقلیل پیچیدگی‌های جهان به نحوی که قابل درک بوده و ویژگی‌های آن براحتی مشخص شود، به کار می رود. گاهی امکان تجربه به دلایل تکنیکی، اقتصادی، سیاسی و اخلاقی وجود ندارد. در این شرایط مدل‌ها می‌توانند درک چگونگی رفتار سیستم را میسر سازند و از این حیث ارزش و اهمیت دارند. از طریق مدل می توان در باره دنیای واقعی به پیشگویی دست زد؛ از این رو مدل‌ها، ابزارآلات تفکر و تعمق نامیده می شوند و مدل به تنهایی پیشنهاد فرضیه‌های جدید و فرموله کردن فرضیه‌ها را دارد.

ه) فرضیه

قضیه ای ست که رابطه ای را بیان و بعبارتی برقرار می کند که بر حسب مورد ممکن است مفاهیم یا پدیده‌ها باشند. بنابراین فرضیه یک قضیه موقتی و یا گمانه است که باید مورد رسیدگی قرار بگیرد. برای آنکه فرضیه بتواند مورد بازبینی قرار گیرد باید بطلان پذیر باشد به این معنا که بتوان آن را به دفعات آزمود.برای این منظور فرضیه باید اول آنکه عمومیت داشته باشد، دوم آنکه به گونه ای طرح شود که قابلیت پذیرفتن گزاره‌های مختلف را که از لحاظ نظری قابل بازبینی اند داشته باشد. (پاپلی یزدی ۱۳۸۲)

و) قانون

قانون و یا ناموس طبیعت، عبارتست از نسبت ثابت و واجبی که علت و معلول را به هم مربوط می سازد. به عبارتی قوانین در علم زمینه‌هایی هستند که امتحان شده اند و چون اعتبار دارند تأئید شده اند و به عنوان رابطه‌هایی در بین و یا میان رویدادها ممکن است که شامل موارد ثابت و یا احتمالی باشند.

مهمترین تفاوتی که میان نظریه وقانون وجود دارد این است که نظریه به عنوان بخشی از خطوط فکری شخصی و یا گروه‌ها عنوان می شود و ممکن است بین تمام افراد یا گروه‌ها در مورد آن اتفاق نظر وجود نداشته باشد، اما قانون چکیده و عصاره تفکرات افراد، جناح‌ها و گروه‌ها و یا دانشمندان در یک زمینه خاص است که عمدتاً در قالب مصوباتی آن را پذیرفته اند و ما می توانیم با تأمل در آن به مبانی فکری آنها پی ببریم.(پاپلی یزدی ۱۳۸۲: ۱۶)

ز) پارادایم

هر شاخه علمی دارای چارچوب تفکر و توجیهات نظری ویا روش شناختی است که تا حدودی مورد موافقت جمع دانشمندان است. این چارچوب علمی نحوه تفکر و اصول علمی مربوط را توضیح می دهد و تفسیر می کند؛ این چارچوب علمی را پارادیم می گویند. پارادایم، قالب پایدار فعالیت‌های علمی است که در طول یک دوره در داخل یک رشته علمی از

علوم هنجاری صورت می گیرد. تفاوت پارادایم و نظریه در اینست که پارادایم منطق علمی یک رشته علمی است که مورد موافقت جمیع دانشمندان است اما نظریه لزوماً مورد موافقت جمیع نیست. برخی از نظریه‌ها ممکن است شکل پارادایم به خود بگیرد مانند نظریه وابستگی.

از طرفی پارادایم به رشته علمی مربوط است و با مکتب سروکار ندارد؛ یعنی می تواند به خودی خود مطرح باشد. پارادایم ترکیبی از قانون، نظریه، ابزار علمی و روش شناختی که قالب هر رشته علمی است. در این میان علوم میان رشته ای مجموعه ای از پارادایم‌ها را تشکیل می دهد. (پاپلی یزدی ۱۳۸۲: ۱۵-۱۴)

۳-۲- تبیین سه مفهوم: سنت گرایی، مدرنیسم و پست مدرنیسم.

پیش از بیان تحولات شهر سازی بویژه پس از انقلاب صنعتی و ظهور و زوال اندیشه‌های شهر سازی، لازم است به بررسی و تبیین سه جریان سنت گرایی مدرنیسم و پست مدرنیسم اشاره گردد زیراتمامی جریان‌های فکری در فضایی میان این سه مفهوم در رفت آمد است و آگاهی از این سه جریان تاریخی (نه لزوماً شهر سازی) مقدمات درک درست از سیر تحول آراء و افکار دانشمندان این علوم را در چاچوب تاریخی و فلسفی فراهم می‌آورد.

تحولات گوناگون جوامع و زوایای مختلف آن در بستر فکری و چارچوب فلسفی آن شکل می گیرد. از آنجا که واژه‌های سنت، مدرن و پست مدرن، متمایز کننده سه دوران کشاورزی، صنعتی و فرا صنعتی با مصارف گوناگون است و انسان تکامل پذیر به منظور رفع نیازهای خوداز مرحله ای به مراحل دیگر گام می نهد، بنابراین ضرورت شناخت آن بر اندیشمندان بخصوص آن‌هایی که با مطالعات میان رشته ای سروکار دارند، مشخص می شود.

۳-۲-۱- سنت گرایی (جامعه کشاورزی)

سنت گرایی لزوماً دوره زمانی خاصی را شامل نمی شود زیرا هنوزهم عده زیادی از مردم جهان در جوامع سنتی زندگی می کنند. در جوامع سنتی هر تعامل بر اساس هنجارهای آشنای تبادل بده بستان شکل می گیرد. تعاون و همکاری بین اعضای خانواده، دوستان، همسایگان و خویشاوندان دور و نزدیک بدان نیت نیست که رفاه عمومی جامعه تأمین شود،بلکه هرکس در طول زندگی و با تجربیات خود دریافته است که منافع شخصی خود و خانواده اش در گرو تعاون و همکاری او با دیگران و دیگران با اوست. نظام ارزشی این جامعه عمدتاً با آنچه "تقدیر گرایی دیرپا" نامیده می شود در ارتباط تنگاتنگی بود. یعنی فرض بر این بود دامنه امکانات بالقوه برای رشد افراد طی صدها سال هیچ تفاوتی نمی کند. اما تقدیرگرایی دیرپا به هیچ وجه مانع از انتخاب در کوتاه مدت نمی شد و برای اینکه فرد در حیطه امکانات محدود بتواند برای بهتر شدن آینده خویش تلاش کند) هرچند این تلاش در تمام طول عمر او صورت می گیرد) مخالفتی نداشت.(پاپلی یزدی-۱۳۸۲: ۴۲-۴۱)

۳-۲-۲- مدرنیسم(جامعه صنعتی)

ادبیات، هنر و اندیشه در دوران معاصر نسبت به واژگاه «مدرنیته»، «مدرنیسم». « تفکر مدرن» و سایر مشتقات آن مواضع متفاوت و حتی مخالفی نسبت به هم اتخاذ کرده اند که جملگی این تفاوت‌ها و امکانات بیان تعاریف و بیان مشترک آنها نسبت به این واژگان است.کلام مشترک میان این سه واژه لغت "مدرن" است. کلمه مدرن را رومیان نخستین بار در سده ی ششم میلادی به معنی " به تازگی" ساختند.

در ارتباط با آغاز عصر مدرن، اختلاف نظر وجود دارد. عده ای آن را از فاصله مابین رنسانس تا انقلاب صنعتی می دانند عده ای آغازگاه صنعتی شدن جوامع اروپایی و پیدایش وجه سرمایه داری و تعمیم تولید کالایی را آغازگاه مدرنیته می دانند.

از سوی دیگر نویسندگانی نیز حد نهایی مدرنیته را میانه سده بیستم و حتی امروز می شناسند.گروه چهارم از اندیشمندان آن را به معنای تمدن غربی و آنچه بعد از رنسانس تا پایان جنگ جهانی دوم وجوداشته می شناسند. به عبارت دیگر به هرچیزی که با سنت‌ها و تمدن بازمانده از سده‌های میانه می جنگد" مدرن" میگویند. اما چنین مینماید که مسئله اصلی مدرنیته دشواری آن بر سر دوره‌های بعدی تاریخ نیست بلکه نکته مرکزی شناخت مشخصه‌های اصلی مدرنیته است. مبنای مدرنیته «خرد انسان» است و مدرنیته یعنی:

خرد باوری و تلاش برای بخردانه کردن هرچیز شکستن و ویرانگری عادت‌های اجتماعی و باورهای سنتی همراه باپشت سرنهادن ارزش‌ها و حس‌ها و باورها و در یک کلام شیوه‌های مادی و فکری زندگی کهن.(پاپلی یزدی-۱۳۸۲: ۴۶-۴۳)

مدرنیسم با مدرنیته فرق دارد. مدرنیته یک رویکرد عمومی است و همان نو شدن است. نو شدنی که کسی عزم به نوآوری نداشته و خود به خود روی داده است. اما مدرنیسم نوعی ایدئولوژی است، نوعی اندیشه است؛ در پی جایگزین کردن مدرن به جای کهنه و بر این اساس مدرن را برتر از کهنه می داند.(پاپلی یزدی ۱۳۸۲ ۴-۱)

در حقیقت مدرنیته وضعیت و حالتی است که در تاریخ اتفاق افتاده و نوعی نگرش به هستی و زندگی است ولی مدرنیسم ایدئولوژی و بنا به رویکردی فهم مدرنیته از خودش است. بنابراین مدرنیسم نوعی ایدئولوژی است در حالیکه مدرنیته حالتی است که در فکر و یا در عالم خارج رخ می دهد و عمدتاً غفلت آلود است؛به عزم کسی پدید نمی آید و به عزم کسی هم عوض نمی شود. مدرنیسم به عنوان یکی از مهمترین نمودهای مدرنیته در زمینه هنر و با توجه به «خواست زیبا شناختی کردن زندگی» برای انسانهای مدرن آغاز شد. (اپلی یزدی ۱۳۸۲)

اکثر فلاسفه مدرن بر این نظر هستند که آغاز عصر مدرن با پیدایش انسانگرایی و خرد گرایی دوره رنسانس در قرن ۱۵ میلادی در شمال ایتالیا همرا بوده است.دین پیرایی، علم مداری و روشنگری از ویژگی‌های بارز این دوره است.(قبادیان-۱۳۸۲: ۱۹-۱۸)

اما عامل شکل دهنده به مدرنیته ومدرنیسم تفکر مدرن است که اینگونه تعریف می شود:

حضور قدرت خرد انسان در هر زمان از زیست و یا هر مکان از دنیا می باشد که برای تمامی انسانها عمومیت دارد و در انحصار زمان و مکان و یا ملت خاصی نیست.

بنابراین روشن و واضح است که مدرنیته، مدرنیسم، و تفکر مدرن در تعریف فرق دارند،اما هر سه دارای یک ریشه مشترک و یک هسته واحد خرد باوری هستند.(پاکزاد-۱۳۸۶: ۴-۱)

۳-۲-۳- پست مدرنیسم(جامعه فراصنعتی)

مدرنیسم با هرچیز که سد راه آن شود در تعارض قرار می گیرد و همین ویژگی است که سنت‌های اخلاقی، مذهبی، فرهنگی و غیره را تحت الشعاع قرار می دهد. و بدین ترتیب به بن بست می رسد و فلاسفه عصر پست مدرنیسم را مطرح می کنند. پست مدرنیسم تاکنون خط سیر پرپیچ و خمی را فراتر از مسائل ادبی و معماری پیموده است و هرچه زمان می گذرد با نظامی روبرو می شود که سایر علوم اجتماعی و انسانی را به سوی خود جلب می کند. وضعیت پست مدرن نوعی گذر از مفاهیم بنیادی است که از قرن هجدهم‌هادی جریانات عقلی و اجتماعی انسان بوده است. از جمله دستاوردهای محسوس پست مدرن نفی این اندیشه مارکس و انگلس است که مدعی بودند، جنگ انسان با انسان ورزی جای خود را به جنگ انسان با طبیعت خواهد داد. امروزه نه تنها چنین جابجایی رخ نداده است بلکه انسان به این نتیجه رسیده است که پایان بخشیدن به جنگ انسان با انسان فقط و فقط در گرو پایان دادن به جنگ انسان با طبیعت است. در واقع با طبیعت و زمین را خانه خود دانستن و نفی نگاه ابزاری به طبیعت (تنها به حضور آن اندیشیدن)، تنها راه دگرگونی مطلق گرایی، عقلانیت

مدرنیسم(پوزتیویسم)است که انتهای جدید و امیدوارکننده ای را فرا روی انسان قرار می دهند. به عقیده برخی اندیشمندان پسامدرن از نظر زمانی پس از مدرن نیست بلکه تجدد همیشه لحظات پسا مدرن را در خود داشته است. مهمترین محورهای فکری پست مدرن‌ها عبارتست از: نفی خردمداری مدرنیستی، نفی واقع نمایی علوم، نسبیت اخلاقی و اجتماعی، رد رژیم‌های خود کامه، حقوق بشر، معیارهای زیبا شناختی، توجه به حواشی و جهان سوم، مخالفت با حل شدن خرده فرهنگها در فرهنگ مسلط و تأکید بر نهضت‌های سبز و خود محوری (توسعه درونزا). (پاپلی یزدی-۱۳۸۲: ۴۶-۴۷)

جدول ۳-۱- وجود برخی تمایزات مابین عصر سنت، مدرنیسم و پست مدرنیسم

سنت گرایی	مدرنیسم	پست مدرنیسم
-بشر جزئی از طبیعت است و مقهور آن -انسان در پی شناخت طبیعت و هستی از طریق بحث ماوراءالطبیعه است. - رواج علوم نظری -بینش و تفکربشر اسطوره ای است. -محدودیت زمان و مکان -غوطه وری در زمان و مکان -برنامه ریزی محدود -معتقد به ایدئولوژی و یقین غفلت آلود -داوری قطعی در باه هر چیز (درست و غلط) -دوران باورهای قطعی و ماوراءالطبیعه -اعتقاد به خطای اتفاقی عقل -هنر هدفمند بر مبنای اعتقادات -حقیقت جویی بر مبنای خدا محوری و ماوراءالطبیعه	-بشر عزم غلبه بر طبیعت کرده است و بهره برداری بی رویه آن را مد نظر دارد -انسان به دنبال تصرف در طبیعت و هستی است. -گسترش علوم عملی و فن آوری -جهان بینی بشر عقلانی و آنچه غیر عقلیاست(پوزیتویسم منطقی) مردود است. -بیکرانی زمان و مکان -فاصله گرفتن از گذشته و بیرون آمدن از آن -برنامه ریزی سنجیده و متمرکز -نقد عقل و ایدئولوژی و شک درباره همه عقایدو باورها -شک و تردید در مورد امور قطعی و عقلانی -نگاه عملی -اعتقاد به خطای نیازمند عقل دوران نقادی -هنر دارای سبک و در خدمت اقتصاد -حقیقت جویی متکی بر علم -زبان محوری: معنا همواره فراتر از دسترسی ماست و نمی تواند همواره در یک واژه قرار گیرد. -هر پدیده ای در جایگاه تاریخی خود بررسی می شود	-بشر مایل است از طبیعت بهره برداری اصولی و پایدار به عمل آورد. -ناامید از جستجوی حقیقت جهان را باید همچون متنی خواند که شاید معنایی داشته باشد و نه حقیقت. -رواج و گسترش علوم عملی و فناوری و علوم نظری. -عقلانیت توأم با احساس و تفکر اسطوره ای و آنکه همه چیز را نمی توان با ابزار پوزیتیویستی ارزیابی کرد. -بیکرانی زمان و مکان و توجه به گذشته -برنامه ریزی غیر متمرکز -طرفدار نسبیت، شکاکیت و تاریخ گرایی -نقد علم و یافته‌های علمی و عدم قطعیت علمی -از میان رفتن مرز میان هنر و زندگی روزمره تا آشفتگی در سبک، رواج هزل، تقلید و بازی و افول خلاقیت هنری -بنیاد ستیزی: مخالفت قاطع با هر نظریه اجتماعی که مبتنی بر حقیقت جویی باشد. -عدم قبول هرگونه اصلب برای ایجاد نظم نهایی و ثابت -نیست انگاری یا نیهیلیسم

مأخذ:.(پاپلی یزدی-۱۳۸۲: ۴۹-۴۸)

۳-۳-سیری در اندیشه‌های شهر سازی از آرمان تا واقعیت

۳-۳-۱-سیر تحول اندیشه‌ها در یک نگاه

- اشاره ای به جریان‌های فکری سده ۱۶ تا ۱۸ (رنسانس)

این دوران به عنوان آغاز مدرنیته در غرب و مرحله گذار از جامعه سنتی به جامعه صنعتی در حد فاصل رنسانس تا انقلاب صنعتی مورد بحث قرار می گیرد.

وقوع انقلاب صنعتی و پایه‌های شکل گیری شهر عصرصنعت

با وقوع انقلاب صنعتی و مهاجرت‌های بی رویه از روستا به شهر که لازمه تکوین نظام صنعتی است، شهر عصر صنعت متولد می گردد.در این دوران بازتاب‌های مثبت و منفی انقلاب صنعتی در شهرهای قرن نوزدهم مورد توجه قرار می گیرد.

اندیشمندان قرن۱۹ و آغاز عصر بیم و امیدهای بزرگ

در این دوران اندیشمندان، نویسندگان، مردان سیاسی و انسان دوستانی در جهت تدوین و وضع قوانین بهداشتی اقداماتی انجام می دهند.

عصر پیش شهر سازان(تخیلات شهرسازی)

- باگرایش آرمانگرایانه در این دوران آرمانشهرها توسط آرمانگرایان (پیش شهرسازان ترقی گرا) متولد میگردد. از متفکران این گروه می توان از آوئن، سن سیمون، فوریه و... نام برد.
- گرایش به اصطلاحات:این گروه با تأکید بر جنبه‌های هنری معتقد به یافتن راه حل‌هایی برای رفع مشکلات شهری در چارچوب جوامع صنعتی هستند. موریس و راسکین از بزرگان این مکتب هستند. به این گروه پیش شهرسازان فرهنگ گرا نیز گفته می شود.
- گرایش به تحولات انقلابی: این گروه با رد نظم موجود شهرها، معتقدند که تغییر انقلابی جامعه موجب پیدایش جامعه سالم و شهر سالم می شود.
- انگاره شهرستیزی آمریکایی

تولد شهر سازی در واقعیت – اشاعه تفکر مدرن در شهر سازی

در این دوران الگوهای شهر سازی ترقی گرا (مدرنیسم) متولد می شود، البته پیش از این الگو، الگوی فرهنگ گرا به شکل کاملاًشهرسازانه دست یافت.در این دوران انگاره‌های جریان شهر –ستیز آمریکایی در قرن بیستم در الگویی جدید متبلور می شود، الگویی به نام شهرسازی طبیعت گرا.

شکل گیری نقد ثانویه(نقد شهر ترقی گرا یا مدرنیستی)

شهر سازی ترقی گرا نقد می گردد نخست توسط شهرسازان فن گرا، وسپس توسط مکتب آمایش انسانی نقدی ریشه ای برمی انگیزد. نقد شهر صنعتی الگوی ترقی گرا پایه‌های گذار از مدرنیسم به پست مدرنیسم را رقم می زند.

پست مدرنیسم (فراتجدد)

بدنبال نقد شهر مدرن مکتب فرامدرنیسم پا به عرصه وجود می گذارد..مکاتبی مانند پدیدار شناسی، ساختارگرایی، نوخودگرایی (نوسنت گرایی)، نو شهرسازی زائیده تفکر پست مدرن است.

آغاز تحولات و مدرنیته در مرحله گذار از جامعه سنتی به جامعه صنعتی(سده‌های ۱۶ تا ۱۸- رنسانس تا انقلاب صنعتی)

انسان سده میانی با این باور که سرنوست وتاریخ بشر از پیش در آسمان تکوین یافته است،هرگز گمان نمی برد زمانی فرا رسد که قدرت بشری سرچشمه همه دگرگونی‌ها شود. رنسانس عصری بود که انسان بر مسند قدرت تکیه زده وتجربه سرشکستگی و شکست از طبیعت را پشت سر گذاشت.عزت نفس بر اندیشه گناه نخستین چیره شد و در سایه آن ایمان به خود، بالیدن گرفت. این دگرگونی از تفکری مایه می گرفت که بعدها آن را انسان محوری و یا امانیسم نامیدند. رنسانس زائیده نگاه اومانیستی انسان به هستی و نیز برداشتی از مدرنیته است.

مدرنیته را با ستون انسان محور، یکی می دانند و اومانیسم را الگوی رفتاری مدرنیته می شناسند. پس دور از واقعیت نیست اگر آغاز روزگار مدرن را با شکل گیری نگاه اومانیستی پس از رنسانس در میان انسانها همزمان بدانیم.

فلاسفه بسیاری از دکارت گرفته یا کانت در فرایند شکل گیری مدرنیته و انسان مدرن دخیل بوده اند.

فرایند تکوین مدرنیته و انسان مدرن را می توان در چند محور زیر خلاصه کرد؛ (پاکزاد-۱۳۸۶: ۲۰-۷)

۱- موضع انسان در جهان پس از رنسانس تغییر کرده است و همان گونه که از زمان کپرنیک زمین به دور خورشید می گردد، بادکارت نیز "سوژه مدرن انسان" مرکز کائنات می شود و اومانیسم شکل می گیرد.

۲- عقلانی سازی برآمده از فلسفه دکارت (با جمله ی می اندیشم، پس هستم) و فیزیک گالیله به قلمروهای دیگر زندگی انسان از جمله سیاست نیز گسترش می یابد و با ظهور مدرنیته جامعه رفته رفته از همه قید و بندهای ماوراء الطبیعه رها می شود.

۳- واقع نمایی برآمده از اندیشه‌های خرد باوران و تجربه باوران جریان جدیدی را در اندیشه‌های انسانها رقم می زند.

۴- فناوری: شاید بتوان آن را شکل نمادین آزادی مدرنیته یعنی سرور و مالک طبیعت گشتن دانست. فناوری افسون قصه‌های کهن را زایل نمود و اوهام او را از بین برد.

۵- شکل گیری فرد در مدرنیته به مانند چهره اصلی جهان مدرن، به عبارت دیگر مدرنیته را می توان نظام اندیشه‌ها و ارزش‌هایی دانست که به پیدایش فردباوری در جهان مدرن انجامیده است.

۶- با کانت عصر مدرنیته رسماً آغاز می شود. کانت بارها از "انسان‌ها" و " انسانیت" نام برده تا نشان دهد روشنگری رستگاه آدمی و آغاز گر رهایی همه انسانهاست.

شاید این جمله کانت بهترین نحو اصل انسان مداری و خرد ورزی مدرنیته را بیان می کند: « به خود جسارت بده و پروای آن را داشته باش که عقل و فهم خود را بکار گیری». (قبادیان -۱۳۸۵: ۲۵-۲۴)

تفکرات این عصر چون ضربه‌هایی بود که باعث جهش برژوازی علیه مطلق گرایی‌های نظام فئودالی شد وموجب شد تا برژوازی بسوی پاس داشتن دو اصل «استدلال» و «خرد» جهت گیری کند.

روشنگری ریشه در اومانیسم (انسان گرایی) و رفرماسیون(اصلاح دینی) عصر رنسانس و فلسفه‌های راسیونالیستی(خردگرایانه) قرن هفدهم یعنی تفکرات اشخاصی چون فرانسیس بیکن، رنه دکارت،جان لاک و لابینتس داشت.

هگل اولین فیلسوفی بود که بین دو جهان سنتی ومدرن صراحتاً تفاوت قائل شد و خصوصیات هر یک را مشخصاً تبیین نمود. هگل در مورد روشنگری می گوید:« جنبش روشنگری حرکتی بود فرهنگی ک زمینه چیرگی خرد انتقادی و مفهوم جدید آزادی و فردیت را آغاز نمود.روشنگری مشعل عقلانیت جدید از راه مردم قرار دارد». (قبادیان -۱۳۸۵: ۲۵-۲۴)

در یک جمع بندی ساده می توان شعارهای عصر روشنگری را در مقابل عقاید دوران فئودالی ملاحظه کرد: خرد در مقابل خرافات، آزادی در مقابل قیدهای مذهبی و اجتماعی چون کاتولیسم و فئودالیسم، برابری ذاتی در مقابل اجتماعی بر اساس خون و تبار، قانون مندی‌ها در مقابل دگم‌ها (جزم گرایی و اصول خدشه نا پذیر کلیسا و قضا و قدری فکر کردن) و نسبی گرایی در مقابل مطلق گرایی.

تحولات در حوزه معماری و شهر سازی

در مرحله گذار از جامعه سنتی به سرمایه داری، در حالیکه جمعیت افزایش می یافت، چگونگی توزیع آن نیز به علت دگرگونی‌های اقتصادی در فناوری، در سطح منطقه دستخوش تغییر می شد. این دگرگونی‌ها به شکلی قهر آمیز موازنه ی قدیمی میان شهر و روستا را در هم می شکند و تشنجات تازه ای پدید می آورد.

در شرایط جدید، دیگر شهر سازی باروک پاسخگو نبود. تا آن زمان شهر آنچنان آرام تغییر می کرد که می شد در هر برهه آن را برای مدتی نامعلوم ثابت فرض نمود و با اقتدار به آن شکل معمارانه ای دقیق داد که در عین حال بتواند با انعطاف لازم و بدون هیچگونه تغییری افزایش‌های قابل پیش بینی آینده را نیز جذب نماید. بنابراین از ۱۷۰۰به بعد در حالیکه معماری به سهم خود موفق گردید در طرح فضاهای یادمانی و با شکوه و در هماهنگ کردن مناظر شهری و یا

طبیعی به نهایت ظرافت خود برسد، همبستگی‌های لازم اجرایی و همچنین قدرت در تأثیر گذاری قاطع بر بافت شهری با اتکاء به آن قبیل وسایل تقلیل می یافت. البته هنوز بر اساس سنت کلاسیک و باروک فضاهایی در انگلستان ساخته و یا بهسازی می شد و سعی بر آن بود تا تقارن و وحدت شکل، از وسیله ای برای کنترل ساختمانی به وسیله ای برای کنترل منظر شهری تبدیل شود.اما این اقدامات چنان محدود و مربوط به مناطق اعیان نشین بود که نمی توانست گسست آن‌ها را ا ز مسائل جدید شهر پنهان دارد. در حالیکه برژوازی ثروتمند در فضاهای زیبا تجمع می یافتند، محله‌های نکبت بار به صورتی فشرده و بدون وقفه گسترش می یافت و نابسامانی‌های بهداشتی آن‌ها سراسر شهر را دستخوش بحران کرده بود. رویکرد و روشهای جدیدی لازم می بود تا بتوان با بحران‌های جدید دست و پنجه نرم کرد..(پاکزاد-۱۳۸۶: ۲۰-۱۶)

انقلاب صنعتی

عده‌ای اختراع ماشین بخارر توسط وات – در سال ۱۷۶۹- را شروع انقلاب صنعتی می‌داند اما بدون تردید انقلاب صنعتی یک نقطه‌ی تاریخی نیست بلکه فرایندی است در یک دوره‌ی زمانی محقق شده است.

سال‌های ۱۷۷۹ تا ۱۸۷۵، سالهای سرنوشت ساز گسترش سرمایه داری در اروپا و حتی امریکای جوان بود. سال‌های استقلال ایالت‌های امریکایی و رهایی آنان از بند بریتانیا و سال‌های پر شور انقلاب بزرگ در فرانسه (پاپلی یزدی ← پاپلی یزدی ۱۳۸۲) انگلستان پیشگام در انقلاب صنعتی نخستین کشوری بود که به تولید انبوه دست یافت به همین نسبت در زمینه برخورد با معضلات عصر صنعت نیز همقدم بود و آوای ناخوشایند صنعت نخستین بار از این سرزمین به گوش رسید.

از قرون وسطی حرکت پویایی در اروپا آغاز شد که به شکل گرفتن شهرها تا قدرت یافتن آن‌ها و نهایتاً تبدیل برخی از آن‌ها به دولت شهرهای مستقل انجامید. در این جوامع شهری عوامل زیر وجود داشتند که زمینه‌های مساعد را برای وقوع انقلاب صنعتی پس از سپری شدن قرن‌ها فراهم کردند:(حبیبی ۱۳۸۶)

۱- تکیه بر اموال منقول
۲- وابستگی کمتر به طبیعت و محدودیت‌های آن
۳- اجبار به تولید(به قصد ادامه تجارت – تحرک و پویایی)
۴- اجبار به کشف قوانین طبیعی و مادی (به قصد ادامه و پیشبرد تولید)
۵- داشتن پیشینه خودگردانی در شهرهای اروپا
۶- آزادی تجار از تحت قیومیت بودن و در نتیجه حاکم به سرنوشت خود بودن و مفاهیمی چون آزادی سیاسی و اقتصادی معنا پیدا می کند.

از تبعات انقلاب صنعتی رشد سریع شهر نشینی بود. صنعتی شدن کشاورزان و احداث کارخانجات در اطراف شهرها و همچنین ارائه خدمات جدید در شهرها باعث جابجایی جمعیت گردید و ساکنان عمدتاً کشاورز در روستاها به عنوان نیروی کار روانه کارخانجات در شهرها شدند.(قبادیان:۱۳۸۵-۲۵)

بازتاب‌های مثبت انقلاب صنعتی در شهرهای قرن نوزدهم:(مامفرد ۱۹۷۰)

الف) اختراعات و اکتشافات علمی در راستای تولید بیشتر که نهایتاً منجر به بهبود برخی شرایط زنگی می شود مانند:
۱- کشف مصالح جدید ساختمان (چدن فولاد، بتن مسلح) پیشرفت در راه راهسازی و ساختمان سازی
۲- پیشرفت علمی و فنی و مهندسی و ساختمان
۳- اختراع ماشین بخار ؛ توسعه حمل و نقل
۴- کشفیات متعدد شیمی و پزشکی؛بهبود وضع بهداشت، افزایش جمعیت و نیروی کار ارزان
۵- تخصصی شدن علوم و پیدایش علوم جدیدی مانند جامعه شناسی، روانشناسی،.... در بررسی مسائل شهر عصر انقلاب صنعتی.

ب) اعتقاد به آزادی – آزادی‌های فردی و اجتماعی – آزادی‌های سیاسی و لیبرالیسم اقتصادی.

ج) پیدایش عملکردهای جدید در شهرها در اثر رشد جمعیت.
در نتیجه تمامی موارد فوق، توسعه تجارت و بسط صنعت با شتاب بسیار بالایی صورت گرفت.

بازتاب‌های منفی انقلاب صنعتی در روند شهر نشینی قرن ۱۹: (مامفرد ۱۹۷۰)

۱- ازدیاد جمعیت، هجوم به شهرها و افزایش جمعیت شهری، رشد بی رویه شهرها، شرایط نامساعد بهداشتی در شهرها، ترکم جمعیت در شهرها، دور شدن از شهرها.
۲- بیکار شدن کشاورزان.
۳- تبدیل مانو فاکتورها به کارخانه‌ها در شهرها، هجوم به شهرها و آلودگی محیط شهری.
۴- سود جویی روز افزون کارفرمایان و سرمایه داران، پایین نگاه داشتن سطح دستمزدها- شرایط وحشتناک زندگی کارگران.
۵- افزایش روز افزون خیل عظیم بیکارها.
۶- پیدایش اختلاف طبقاتی شدید، جمع شدن مردم فقیر و بیکاران و کارگران در محلات فرسوده شهری یا حاشیه شهرها، گرایش طبقات ثروتمند به سکونت در محله‌های جدید و نزدیک به طبیعت – پیدایش محلات فقیرنشین و ثروتمند نشین.
۷- پیدایش مشکلات در رفت و آمد و حمل ونقل.

بنابراین تغییرات زیر بنایی در شهرها فقط تغییرات جمعیتی و اجتماعی نبود، بلکه شهرها از نظر کالبدی نیز به کلی دگرگون شدند. پیشرفت تسهیلات جنگی باعث از بین رفتن برج‌ها، دروازه‌ها و خندق‌ها در اطراف شهرها و همچنین دراطراف مقرهای حکومتی شد. شاید بتوان اذعان نمود که هیچ پدیده ای در تاریخ شهر سازی چه در اروپا و چه در سایر نقاط جهان به اندازه اتومبیل بافت شهر را تغییر نداده است. اتومبیل مقیاس شهرها را عوض کرد. مجاورت محل کار با زندگی متراکم بودن ساختمان‌ها در مرکز شهر، کوچه‌های باریک با مقیاس انسانی و مراکز محلات همه از بین رفت و مقیاس انسانی تبدیل به مقیاس اتومبیل شد. (قبادیان ۱۳۸۵- ۲۶)

استفاده از ماشین در فرایند تولید تغییرات اساسی بوجود آورد. صنایع دستی به سرعت جای خود را به صنایع ماشینی داد وکاردرکارخانه‌ها جانشین کار درخانه‌ها شد تا بهترین وجه ماشین را بکار گیرد.(لامپونیانی ۱۳۸۱- ۴) نتیجه تمامی این عوامل بر هم ریختن نظم کهن شهرها و افت شدید کیفیتهای محیطی و بهداشتی بود.



تصویر ۱: افت شدید کیفیت‌های محیطی در شهر صنعتی قرن ۱۹

بدین ترتیب مبانی شهرسازی تنها پس از تغییرات ژرف اجتماعی و اقتصادی پس از انقلاب صنعتی پدیدار شدند، زیرا از آن موقع یعنی آغاز قرن نوزدهم تاکنون جوامع صنعتی به دنبال کشف جوابی برای مشکلات شهری هستند. به علت مشکلاتی که مطرح شد، در قرن ۱۹ گرایش بورژوازی به حل مسائل زندگی کارگران را مشاهده می کنیم. شهر در قرن ۱۹ به عنوان یک پدیده جدید و ناشناخته و بی نظم مطرح می شود. این عصر همزمان است با آغاز دوران پدیده ای دیدن مسایل که منجر می شود به اعتقاد به عدم قطعیت یعنی عدم اعتقاد به مطلق بودن پدیده‌ها؛

پس شهر نیز یک پدیده غیر قطعی است که می توان آن را تغییر داد یا امید به تحول آن داشت، گام‌هایی که در این زمان در راه حل معضلات شهری برداشته می‌شود.

نقد شهر صنعتی در قرن ۱۹

نقد شهرهای بزرگ در سده ۱۸ و ۱۹ بیشتر بر جنبه‌های فیزیکی پدیده شهری متمرکز بود و این شرایط را سرچشمه بیماری‌ها و کاهش عمر افراد می دانستند. تازه پس از پیدایش شهرهای صنعتی است که بحث‌های بهداشت عمومی مطرح شد و از دیدگاه اجتماعی مورد نقد قرار گرفت. صورت‌های تغیر یافته زندگی جمعی که با زندگی روستایی تضاد داشت، محور اصلی علم جامعه شناسی گشت. طرح مسایل اجتماعی در آغاز با هراس و با دیدی بدبینانه نسبت به حال و آینده همراه بود، اندیشمندان از بر باد رفتن اخلاقیات و روح و عواطف، منزوی شدن انسان‌ها، بی ریشه و بی خانمان شدن آدم‌ها، تنزل انسان به یک میکروکاسموس(ذره جهان) و تبدیل شهر به یک مجسمه عظیم سنگی به نام شهر جهانی (به تعبیر اشپنگلر) شِکوه داشتند و توده ای شدن جامعه و نکبت بار شدن شرایط مردم را هشدار می دادند.

آن‌ها از گسست خانواده صحبت کرده و بدبختیهای فوق را که دستاورد شهرهای صنعتی بود به زیان مناطق روستایی نیز می دیدند. در یک چنین شرایطی بود که صدای اعتراضات بلند شد.(پاکزاد ۱۳۸۶: ۴۹) اعتراضاتی که در قرن ۱۹ در قالب انگاره‌های پیش شهرسازی تجلی یافتند:

پیش شهر سازی

عصر پیش شهرسازی با دو الگو ویک نقد بی الگو تولد می یابد:

الف) پیش شهر سازی ترقی گرا یا آرمانگرایانه(سوسیالیستهای تخیلی یا اولیه):

برخی از اصلاح گرایان اجتماعی به خیال پردازی پرداخته، راه حل‌های آرمانی خود را عرضه کردند. سردمداران این جنبش ضد سرمایه داری که به سوسیالیست‌های اولیه معروف شدند عبارتند از: سن سیمون، فوریه، آون، کونسیدران، ریچاردسون و..... این گروه صاحبان آرمان شهرهای سوسیالیستی قرن۱۹ هستند.

ب) پیش شهر سازی فرهنگ گرا(اصلاح گرایان)

اینان معتقد به یافتن راه حل‌هایی برای رفع مشکلات شهری در چاچوب شهرها صنعتی هستند. در این مکتب عقیده آنست که بهسازی و ساماندهی محیط شهری باید از درون همین جوامع صورت پذیرد؛ بنابراین بر اصلاح تنگناها و عوارض نظام اجتماعی موجود، بدون نفی کلیت آن تأکید می کنند اینان چاره کار را بازگشت به شیوه‌های زیست کهن می‌دانند. افرادی مانند راسکین و موریس از این دسته اند.(زیادی:۱۰)

ج) نقد بی الگوی و گرایش به تحولات انقلابی

این گروه با رد نظام موجود در شهرها به ارائه تئوری‌های انقلابی در جهت رسیدن به نظامی جدید که در آن مسائل شهری خود بخود حل می شود، میپردازند. مارکس، انگلس و هنری جرج و... معتقدند که تغییر انقلابی جامعه موجب پیدایش